

بررسی طرح تحول اقتصادی بهره‌وری پایین پاشنه آشیل اقتصاد ایران

تصدی‌گری‌های اقتصادی جا را برای فعالیت اقتصادی تنگ ساخته است. و از طرف دیگر تبعیض، رانت، اتلاف منابع و بازدهی پایین از دیگر مشکلاتی است که باید به آنها اشاره کرد.

۲) ریشه مشکلات ساختاری و رئوس برنامه‌های اصلاحی

همان طور که در ابتدا گفته شد، در این بخش به بررسی ریشه‌ی مشکلات اقتصادی (که توضیح آن گذشت)، و همچنین در همین راستا به محورهای طرح تحول اقتصادی پرداخته می‌شود. بدین صورت که ابتدا به یکی از ریشه‌های مشکلات اشاره و در همان جا به اهداف طرح تحول در این زمینه پرداخته می‌شود.

۱-۲) پایین بودن بهره‌وری

بهره‌وری در ساده‌ترین بیان، استفاده‌ی درست از منابع اعم از منابع طبیعی، مالی و انسانی است. یک ساعت کار در کشور ما چه میزان تولید و ارزش اقتصادی ایجاد می‌کند و در کشورهای دیگر چقدر؟ در اقتصاد ایران برای راه‌اندازی یک فعالیت و تولید حجم معینی از کالاها و خدمات، چه میزان سرمایه مالی خرج می‌شود و در کشورهای دیگر چقدر؟ در ایران به ازای انرژی که

نیست، بیکاری دو رقمی در کشور ظهور می‌یابد. البته تلاش‌های زیادی برای شتاب بخشیدن به رشد صورت پذیرفته است تا جایی که سال گذشته به رشد اقتصادی ۷ درصد نزدیک شدیم، کما اینکه نرخ بیکاری از ۱۱ درصد کمتر شده است.

۲-۱) تورم بالا

تورم از مهمترین مشکلاتی است که کشور در عرصه اقتصاد با آن مواجه است. ریشه‌ی اصلی و یا ساختاری تورم را باید در متکی کردن اقتصاد کشور به نفت که در حدود چهل سال پیش در دهه ۱۳۵۰ آغاز شد، جست‌وجو کرد. در واقع درآمد و رفاه کشور بر یک منبع ناپایدار متکی شد و این امر در حوزه‌های مختلف اقتصاد چون بودجه‌ی دولت، ریشه دوانید و به شکل بیماری مزمنی درآمده، که امروز نیز شاهد آن هستیم.

۳-۱) نابرابری توزیع درآمد

دولت طی سال‌های پس از انقلاب در زمینه‌ی محرومیت زدایی و فقرزدایی اقداماتی را انجام داده است، اما نابرابری توزیع درآمد (دهک دهم پانزده برابر دهک اول هزینه می‌کند)، زیننده آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی نیست. گروه‌های کم‌درآمد از مشکلات ساختاری فوق بیشتر آسیب می‌پذیرند و به‌رغم همه اقدامات حمایتی دولت، بهبود چشمگیری در شرایط آنها حاصل نشد. ضمن اینکه پدیده‌هایی چون تورم، این اقشار را در تامین نیازهای ضروری چون مسکن در تنگنای بیشتری قرار می‌دهد و به نابرابری در ثروت و دارایی منجر می‌شود. البته اقداماتی چون توزیع سهام عدالت که رفته‌رفته فراگیر می‌شود، راهکاری برای جبران این نوع مشکلات است، ولی راهکار اصولی مقابله با این مشکلات و درمان ریشه‌های آنها نیست.

از طرفی رشد و پیشرفت کشور متوازن نیست، از یک طرف در جدیدترین عرصه‌های علمی ظرفیت‌های بسیار امیدوارکننده‌ای ایجاد شده است و از طرفی گاه در یک رشته فعالیت‌های اقتصادی به شدت به خارج وابستگی وجود دارد، ورود بیش از حد دولت در

یکی از مهمترین مباحثی که طی چند ماه اخیر رسانه‌ها و افکار عمومی را به خود مشغول کرده است، طرح تحول اقتصادی است. این طرح همان طور که از نامش پیداست، به دنبال یک تحول عظیم در اقتصاد کشور و حل مشکلات عمده‌ی اقتصاد ایران می‌باشد. به همین منظور حدود دو سال قبل با تشکیل ستادی تحت عنوان "ستاد راهبردی دولت" با حضور رئیس جمهور، برخی از وزراء، معاونان رئیس جمهوری و جمعی از صاحب‌نظران و اقتصاددانان به بررسی و شناخت مشکلات و ریشه‌یابی آنها پرداخته شد. با تشکیل جلسات و کارگروه‌های تخصصی در دستگاه‌های اجرایی هفتگی، به تحلیل گزارشات کارشناسی و آسیب‌شناسی و بررسی وضعیت اقتصاد ایران و مشکلات اقتصادی ایران پرداخته و به دنبال مشخص کردن ریشه‌ی این مشکلات و راهکارهای حل این مشکلات و از بین بردن ریشه‌ی این مشکلات رفته‌اند. در این تحلیل سعی می‌شود ابتدا به ذکر مهمترین مسایل اقتصادی ایران پرداخته و سپس به بررسی ریشه این مشکلات و در همان جا به محورهای طرح تحول اقتصادی (اصلاح نظام مالیاتی، بانکی، گمرکی، توزیع کالا و خدمات، بهره‌وری، یارانه‌ها و اصلاح نظام ارزش‌گذاری پول ملی، هفت محور طرح تحول اقتصادی دولت را تشکیل می‌دهند)، می‌پردازیم، که البته این محورها در صدد از بین بردن ریشه‌های مشکلات می‌باشد و در پایان نیز به تحلیل مهمترین و داغ‌ترین محور این طرح یعنی پرداخت نقدی یارانه می‌پردازیم.

۱) مشکلات ساختاری در اقتصاد ایران

برای ارزیابی اقتصادهای ملی، نماگرهای متفاوتی به کار گرفته می‌شود که در بین آنها متغیرهای کلانی چون رشد درآمد ملی، بیکاری، تورم و شاخص‌های توزیع درآمد که در سند چشم‌انداز بیست‌ساله ایران نیز مورد تاکید قرار گرفته‌اند، متداول‌ترین هستند، لذا در این قسمت بر اساس سطح و نوسانات نماگرهای یاد شده به معرفی اجمالی مشکلات ساختاری اقتصاد ایران پرداخته می‌شود:

۱-۱) کندی و نوسان رشد اقتصادی

رشد اقتصادی و افزایش تولید و درآمد کشور متناسب با ظرفیت‌های انسانی و طبیعی نیست و طبعاً نیازهایی چون اشتغال را برآورده نمی‌کند، لذا نتیجه‌ی آن بیکاری با توجه به وجود جمعیت جوان، بالا رفتن نرخ مشارکت و عرضه نیروی کار است. از آن جا که رشد اقتصادی کشور پرنوسان است و متاثر از رشد عرضه نیروی کار





مصرف می‌شود چه میزان تولید می‌شود و در کشورهای دیگر چقدر؟

مطالعه‌های مختلف نشان می‌دهد یکی از آسیب‌های اصلی در اقتصاد ایران پایین بودن بهره‌وری است، البته وضع بهره‌وری در خصوص عوامل مختلف چون کار، سرمایه مالی، سرمایه طبیعی، سرمایه انسانی و یا در بخش‌های مختلف چون کشاورزی، صنعت و خدمات متفاوت است؛ ولی جمع‌بندی کلی این است که رشد بهره‌وری رضایت‌بخش نیست. لذا باید برای استفاده بهتر از منابع، تدبیر و تلاش شود و توجه داشت که فضای اقتصاد جهان به شدت رقابتی شده و افزایش رقابت‌مندی و توان رقابت مستلزم افزایش بهره‌وری است. رشد بهره‌وری نیروی کار در سال‌های اخیر حدود ۴ درصد گزارش شده است که در مقایسه با کشورهای دیگر راضی‌کننده نیست و در بخش سرمایه این عدد به مراتب پایین‌تر است.

بدین ترتیب در برنامه‌ی تحول اقتصادی افزایش بهره‌وری در سرلوحه قرار گرفته است. البته افزایش بهره‌وری از جهت‌گیری‌های طرح تحول همه بخش‌ها است، ولی در عین حال یک نگاه ویژه به آن شده است. تلاش برای ایجاد رابطه بین بودجه و بهره‌وری، استقرار نظام سنجش بهره‌وری، نظام تشویق بهره‌وری، استقرار خوشه‌های نمونه صادراتی رقابت‌مند مبتنی بر بهره‌وری، از جمله اهداف این طرح است. موضوع لحاظ کردن بهره‌وری در رابطه تعیین دستمزد نیز از برنامه‌های تحول اقتصادی است که ضمن دربرداشتن قاعده کارایی، از مولفه‌های عدالت توزیع همراه یا حین تولید است.

۲-۲) هدفمند نبودن نظام یارانه‌ها

یارانه به عنوان ابزاری برای حمایت از اقشار اجتماعی و یا فعالیت‌های اقتصادی و باز توزیع بعد از تولید به شمار می‌آید، و دولت‌ها با اعطای یارانه تلاش می‌کنند، قدرت خرید طبقات اجتماعی و یا توان تولید و رقابت فعالیت‌های اقتصادی را تقویت کنند. ساده‌ترین شکل یارانه، آن بخش از منابعی هستند که صریح و مستقیم در بودجه دولت درج می‌شوند. به طور مثال، همه‌ساله ارقامی چون یارانه بنزین در بودجه دولت وجود دارد که دولت صرف مابه‌التفاوت قیمت خرید بنزین از خارج و قیمت پایین عرضه آن در داخل می‌کند، ولی شکل دیگری از یارانه‌ها نیز وجود دارد که اگر چه مستقیم در بودجه ذکر نمی‌شود، ولی در واقع یک هزینه فرصت برای اقتصاد ملی است.

روش‌های مختلفی برای پرداخت یارانه وجود دارد. یک روش که در اقتصاد ایران از آن استفاده می‌شود، روش عام یا همگانی است. در واقع با پایین نگاه داشتن قیمت کالاها و خدمات مدنظر یا مشمول یارانه، سعی در حمایت اجتماعی داریم، در این روش آنهایی که بیشتر مصرف می‌کنند، بیشتر از یارانه بهره‌مند می‌شوند. طبعاً چون طبقات پردرآمد، بیشتر مصرف می‌کنند، بیشتر از یارانه بهره‌مند می‌شوند که این امر خلاف و به دور از عدالت اجتماعی است.

روش دیگر پرداخت یارانه، پرداخت هدفمند یارانه

بیشتر روی ترکیب تقاضا در اقتصاد اثر می‌گذارد، برخلاف روش‌هایی چون فروش نفت که سبب افزایش حجم تقاضا می‌شود و تورم‌زا است. از طرفی مالیات ابزاری برای تعدیل شکاف درآمد و ثروت است. مالیات و در کنار آن یارانه، سبب تعدیل و توازن نسبی در درآمدها و دارایی می‌شوند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که به‌رغم همه تلاش‌ها، نظام مالیاتی کشور در تامین اهداف یاد شده دچار کاستی است. مجموع مالیات دریافتی کشور حتی کفاف نیمی از هزینه جاری دولت را نمی‌دهد. در شرایطی که بخش اصلی بودجه جاری کشور به بخش‌های اجتماعی چون آموزش و پرورش و بهداشت و درمان و... اختصاص دارد که اجتناب‌ناپذیرند، چون مالیات کفاف این مخارج را نمی‌دهد، بودجه کشور به منبع دیگری چون نفت متکی شده است. بدین ترتیب اصلاح ساختاری بودجه در سمت درآمد، در گروی اصلاح نظام مالیاتی و استفاده از ظرفیت مالیاتی است. از ظرفیت مالیاتی کشور استفاده نشده است و حداکثر حدود ۸ درصد از ارزش تولید کشور مالیات گرفته می‌شود که به هیچ وجه قابل مقایسه با ارقام بالای ۲۰ درصد در سایر کشورها نیست. از آن جایی که پایه‌های مالیاتی محدود است، لذا وصول همین سطح مالیات نیز سبب فشار زیاد به بنگاه‌های تولیدی می‌شود و مودیان را ناراضی می‌سازد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که باید پایه مالیاتی را گسترش داد، مالیات بر ثروت، مالیات بر مصرف و مالیات بر مجموع درآمد از این زمره‌ها.

خلاصه بحث اینکه بخشی از مشکلات نظام مالیاتی به پایین بودن کارایی سازمان مالیاتی برمی‌گردد. این امر دارای جنبه‌های زیرساختی چون فراهم نبودن پایگاه‌های اطلاعاتی و یا عدم تدوین رویه‌های استاندارد است. بدین ترتیب نه تنها نسبت مالیات به GDP پایین است، بلکه هزینه وصول آن در مقایسه با نظام مالیاتی در سایر کشورها بالا است.

یکی دیگر از مشکلات نظام مالیاتی فرار مالیاتی است، این امر سبب تبعیض و بی‌عدالتی مالیاتی می‌شود. در مجموع نظام مالیات، در تامین درآمدهای عمومی، در ایفای نقش باز توزیع و در کارکرد ابزاری برای مدیریت اقتصاد و انضباط از کارایی لازم برخوردار نیست. اما در برنامه تحول اقتصادی، به عنوان یک ضرورت و موضوع کلیدی مطرح شده است. طرح تحول اقتصادی سیاست و اجرای اصلاح نظام مالیاتی را در دو سطح دنبال می‌کند؛ توسعه پایگاه اطلاعات مودیان، اصلاح فرایند، تامین زیرساخت‌های سخت افزاری و ارتباطات، بهبود ساختار سازمانی و مدیریت منابع انسانی از زمره اقدامات برای افزایش کارایی اجرایی نظام مالیاتی است و پیاده‌سازی قانون مالیات بر ارزش افزوده و تدوین لوائح برای گسترش پایه‌های جدید مالیاتی و تعدیل‌های لازم با توجه به برنامه تحولات اقتصادی در راستای ارتقای سیاست مالیاتی هستند.

۴-۲) کاستی‌های نظام گمرکی

در طبقه‌بندی نظری، گمرک بخشی از نظام مالیاتی

است، یعنی به طبقات اجتماعی یا فعالیت‌های اقتصادی هدف، یارانه پرداخت شود، به طور مثال تنها به افرادی که درآمد آنها کفاف هزینه‌های اساسی زندگی را نمی‌کند، پرداخت شود. این روش به لحاظ اجرا مشکل‌تر است ولی بی شک کارآمدتر و در جهت بهره‌وری بالاتر منابع عظیم مالی و همین طور عدالت اجتماعی است. مجموع یارانه‌های مستقیم و غیرمستقیم کشور به حدود ۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی کشور رسیده است که حدود ۲۶ درصد آن مربوط به بخش انرژی است. یارانه پنهان انرژی در سال‌های اخیر، بیش از کل بودجه جاری دولت یعنی حدود ۱۲۷ درصد آن بوده است.

نظر به اینکه روش حمایت، همگانی و قیمتی است، به لحاظ توزیع درآمد و جبران گروه‌های کم درآمد، از عدالت و یا حتی مساوات فاصله گرفته‌ایم. در تمام حامل‌های انرژی چون بنزین، نفت سفید، گازوئیل، برق و گاز طبیعی سهم گروه‌های کم‌درآمد به مراتب کمتر است. البته وضعیت در حامل‌های مختلف متفاوت است ولی نتیجه‌ی کلی همان توزیع ناعادلانه است. بدین ترتیب روش فعلی پرداخت یارانه دارای مشکلات فراوانی است. از یک طرف سبب شده که بهره‌وری در استفاده از منابع به شدت پایین بیاید، شاهد اسراف در مصرف و اتلاف منابع در تولید باشیم، قاچاق و فساد در نظام توزیع سوخت ایجاد شود، سرمایه‌گذاری‌ها به سمت فناوری‌ها و روش‌های پر مصرف انرژی سوق داده شود، بار مالی دولت به شدت سنگین شود که در جای خود ریشه وابستگی بیشتر به درآمدهای نفتی و تورم شده است و از طرف دیگر سبب ناکارایی در حمایت از اقشار آسیب‌پذیر شده است. به بیان دیگر بهبود توزیع درآمد محقق نشده است. لذا در برنامه‌های تحول اصلاحات ساختاری، به هدفمند کردن یارانه‌ها پرداخته شده است. البته این کار نیاز مطالعات دقیق، برنامه‌ریزی و اجرای صحیح هستند.

۳-۲) کارایی پایین نظام مالیاتی

به لحاظ نظری مالیات بهترین ابزار برای تامین درآمدهای عمومی، بازتوزیع درآمد و ثروت، ایجاد انضباط مالی و مدیریت اقتصادی است. دولت‌ها برای اداره امور، دارای هزینه‌اند و مالیات سالم‌ترین روش برای تامین این هزینه‌ها است. تامین هزینه‌های دولت از طریق مالیات

است ولی به دلیل اهمیت و کارکرد آن در عرصه مبادلات بین‌المللی، سازمان مجزایی است. گمرک، سازمان اجرای قوانین و مقررات گمرکی و صادرات و واردات است که علاوه بر وصول حقوق گمرکی، با نظارت بر کیفیت کالاهای وارداتی و صادراتی به سلامت اقتصادی کمک می‌رساند، از ترانزیت کالا به عنوان یک فعالیت مفید اقتصادی پیشبینی می‌کند و تولیدکننده آمار بازرگانی خارجی کشور است. برای انجام این وظایف واحدهای گمرک در اقصی نقاط و گاه دوردست‌ترین مکان‌ها مستقرند، اما کاستی‌ها و مشکلاتی در گمرک وجود دارد که اشاره می‌شود:

- گمرکات کشور متعدد و پراکنده‌اند، بیش از یکصد و شصت گمرک در کشور وجود دارد که باید خدمات متنوع گمرکی را ارائه کنند. تجهیز این تعداد گمرک به لحاظ انسانی و فنی بسیار پرهزینه است و در نتیجه بهره‌وری را کاهش داده است.

- مقررات گمرکی پیچیده و زیاد و رویه‌ها گوناگونند که با لحاظ کردن تعداد زیاد تعرفه‌ها و فقدان سازوکارهای مدرن ارزشیابی، راه را برای تفرق در ارزشیابی بازمی‌گذارد.

- بین وظایف گمرک و سازمان‌های همجوار تداخل و گاه ناهماهنگی وجود دارد که نتیجه موارد فوق کندی انجام تشریفات گمرکی می‌شود. موارد فوق رؤس مشکلات گمرک هستند.

در برنامه تحول جنبه‌های فنی و توسعه گمرک الکترونیکی، اصلاح ساختار سازمانی چون آمایش واحدهای گمرکی، ایجاد پنجره واحد به منظور اجتناب از تداخل‌های وظایف و تعدد مراکز، پیش‌بینی شده است. نکته‌ای که تاکید می‌شود این است که گمرک پنجره و پیشخوان تجارت خارجی است و بی‌تردید بدون یک گمرک کارآمد، اجرای سیاست‌های تجاری و سیاست مالیاتی به ویژه مالیات بر ارزش افزوده امکان‌پذیر نیست.

۵-۲) تنگناهای نظام بانکی

شبکه بانکی، بسیار مهم است و کارکردهای بانک چون تجهیز منابع برای فعالان اقتصادی، تسهیل گردش وجوه مالی، هدایت نقدینگی به سمت فعالیت‌های مولد، پشتیبانی از رشد اقتصادی، ایجاد ارزش افزوده (به عنوان یک زیربخش اصلی خدمات بازرگانی)، تسهیل مبادلات و کاهش هزینه‌های مالی در بعد ملی و بین‌المللی، کمک به شفافیت و مبادلات رسمی، بی‌همتا است. در کشورمان، پس از انقلاب یکی از برجسته‌ترین شاعر و احکام الهی در قالب قانون عملیات بانکی بدون ربا به تصویب رسید که در این قانون بر استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل (با ضوابط اسلامی) به منظور تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار تاکید شده است. ضمن اینکه بر فعالیت نظام بانکداری از حیث تحقق اهداف، سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی دولت با ابزارهای پولی و اعتباری تصریح شده است. ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش تعاون عمومی و قرض‌الحسنه و تسهیل در امور پرداخت و دریافت... دیگر مواردی هستند که در این قانون تصریح شده‌اند.

در شرایطی که بخش اصلی بودجه جاری کشور به بخش‌های اجتماعی چون آموزش و پرورش و بهداشت و درمان و... اختصاص دارد که اجتناب‌ناپذیرند، چون مالیات کفاف این مخارج را نمی‌دهد، بودجه کشور به منبع دیگری چون نفت متکی شده است

بررسی‌ها نشان می‌دهد که به‌رغم نکات قوتی که در نظام بانکی مشاهده می‌شود، این حوزه برای پر کردن شکاف وضع موجود تا وضع مورد انتظار، نیازمند اصلاحات در حوزه رفتاری نظارتی فنی، ساختاری و نهادی است. نظارت بر سیستم بانکی نه تنها از ناحیه حفظ حقوق سپرده‌گذاران بلکه از منظر انضباط پولی نیز حایز اهمیت است. به طور مثال عدم رعایت مقررات مربوط به چاپ چک پول سبب شد که حجم قابل توجهی از آنها در اقتصاد رسوب کند که نتیجه‌ی آن افزایش نقدینگی شده است. یا اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی سبب بالا رفتن پایه پولی شده است.

لذا یکی از برنامه‌های تحول اقتصادی، ساماندهی و تسریع در امر واگذاری بانک‌های دولتی است که واگذاری آنها مجاز شمرده شده است. در خصوص بانکداری الکترونیکی زیرساخت‌هایی ایجاد شده است، که این امر کند با عمق کم و فراگیری محدود است، این امر باید اصلاح شود، که در دستور برنامه تحول اقتصادی قرار دارد. سیستم بانکی باید در راستای وظایف خطیری چون تامین مالی برای کارآفرینان که می‌توانند جایگزین مدیریت‌های دولتی در بخش‌های اقتصادی شوند، پیش‌تاز باشد و در عین حال که خود ارزش افزوده و اشتغال ایجاد می‌کند، از فرآیند خلق ارزش افزوده و اشتغال در کشور حمایت کنند. در عین حال نباید مردم در تامین ضروریات خود، از سنت پاک قرض‌الحسنه محروم بمانند و این سنت الهی باید گسترش پیدا کند. سیستم بانکی در تولید آمار اقتصادی با ضعف مواجه است، لذا ایجاد پایگاه آماری سیستم بانکی در دستور کار برنامه تحول اقتصادی قرار گرفته است.

۶-۲) تناقض در نظام ارزش‌گذاری پول ملی

یکی از مهمترین متغیرهای اقتصادی که اقتصاد داخل را با اقتصاد خارج پیوند می‌زند، نرخ ارز است. سازوکار نرخ ارز در داخل نظام ارزی تعیین می‌شود و هم به لحاظ علمی و هم به لحاظ تجربی، انواع نظام‌های ارزی وجود دارد و هر کشوری بسته به شرایط اقتصاد ملی، نظام ارزی‌اش را انتخاب و مدیریت می‌کند. در قانون برنامه چهارم توسعه، ماده ۴، مطرح شده که نظام ارزی کشور به صورت شناور مدیریت شده است. یعنی عرضه و تقاضای ارز، نرخ آن را تعیین می‌کند، البته سیاست‌گذار باید مانع از نوسان شدید آن شود. از طرفی در این قانون به تغییر نرخ برابری ریال در مقابل دلار به میزان شکاف تورم داخلی و خارجی نیز اشاره شده است. این دو در شرایط

سال‌های اخیر اقتصاد ایران، با هم ناسازگارند. زیرا قیمت نفت چند برابر شده و این امر سبب شده که عرضه ارز در کشور به شدت افزایش پیدا کند و نظم طبیعی بازار ایجاد می‌کند که نرخ ارز کاهش پیدا کند. از طرفی تورم داخلی از تورم خارجی بالاتر است، پس باید نرخ ارز افزایش پیدا کند، لذا سیاست‌گذار با تناقض قانونی مواجه است. بدین ترتیب تناقض قانونی، عدم تسویه بازار ارز یا ذخیره و انبار شدن آن در بانک مرکزی و افزایش نقدینگی به دلیل عدم خنثی‌سازی مشکلات اصلی نظام ارزش‌گذاری پول ملی هستند. این امر در برنامه تحول اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است و تلاش می‌شود راهکاری پیدا شود که ضمن پرهیز از ایجاد تکانه و التهاب به بازار ارز و ضمن توجه به منافع صادرکنندگان، راهکارهای کارشناسی متناسب با شرایط اقتصاد ایران برای انعطاف در بازار ارز معرفی کند. البته در بحث ارزش‌گذاری پول مباحث دیگری چون اصلاح ارزش اسمی پول و راه‌کارهایی چون حذف صفرهای پول مطرح و در دست بررسی است.

۷-۲) سستی بودن نظام توزیع کالاها و خدمات

همه‌ی آحاد جامعه با کارکرد نظام توزیع کالاها و خدمات کشور آشنایی دارند. بخشی از مشکل بالا بودن هزینه‌ها و حتی قیمت‌ها و بی‌عدالتی در توزیع درآمد، به بالا بودن هزینه توزیع در کشور برمی‌گردد. اینکه فاصله بین بهای دریافتی تولیدکننده و بهای پرداختی خریدار یا مصرف‌کننده بالا است، منعکس‌کننده همین موضوع است. واقع امر این است که شبکه توزیع مناسب با مقتضیات زمان رشد نکرده است، به طور مثال شرکت‌های پخش کالا، تعداد و پوشش کافی ندارند، حمل کالا از مبادی تولید تا مراکز مصرف پرهزینه است. روی مباحث زیرساختی چون شناسه‌دار کردن کالاها، نظام آماری اصناف، توسعه IT در این حوزه کمتر کار شده است. در کنار سستی بودن شبکه، انحصارهای بالا هم وجود دارند که بر مشکلات کندی و هزینه توزیع می‌افزایند. از جمله اقداماتی که در برنامه تحول اقتصاد پیش‌بینی شده، عبارتند از ساماندهی نظام پخش کالا، پروژه پایگاه اطلاع‌رسانی اصناف، پروژه ملت کارت اصناف کشور، شبکه شماره‌گذاری کالا، پروژه ثبت مکانیزه نقل و انتقالات املاک و اسناد و مستغلات، تقویت نظارت نهادهای مردمی از قبیل انجمن‌های حمایت از حقوق مصرف‌کننده و ایجاد اتحادیه‌های اصناف.

برخی از موارد فوق مدنظر طرح تحول اقتصادی است، که از مهمترین آنها می‌توان به راه‌اندازی شبکه شماره‌گذاری کالا اشاره کرد. این امر زیرساخت بسیار مناسبی را برای تنظیم بازار و کاهش هزینه‌های لجستیک در بخش بازرگانی فراهم می‌کند. یکی دیگر از اقدامات مرتبط با طرح تحول اقتصادی، تدوین برنامه‌های ویژه تنظیم بازار در دو رهگزر از نظام فعلی یارانه‌ها به نظام هدفمند است که در این طرح پیش‌بینی شده وزارت بازرگانی با همکاری وزارت صنایع و معادن در قالب تفاهم با تشکل‌های تولیدی به شکلی خود انتظام این امر را محقق سازند.